

آثار اقتصادی امنیت سرمایه‌گذاری در افغانستان، چالش‌ها و راهکارها

محمد اسحاق مهدوی^۱

چکیده

کشور افغانستان چندین دهه است که کانون بحران در قلب آسیا به‌شمار می‌رود. تحقیقات پژوهشگران عمدتاً معطوف به مسائل سیاسی و نظامی بوده و از مسأله مهم اقتصادی، سرمایه‌گذاری و توسعه، بازمانده‌اند. این کشور اگرچه پیش از دوران جنگ در اثر ناکارآمدی نظام سیاسی و شرایط گوناگون داخلی و خارجی در وضعیت بسیار نامطلوب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار داشت، اما سال‌ها جنگ و خونریزی همان رمق نیم‌بند زندگی را هم از مردم گرفت و مردم را تا سرحد نابودی کامل پیش برد. بحث «امنیت و سرمایه‌گذاری در افغانستان آثار، پیامدها و راهکارها» موضوع بسیار مهم در درون اقتصاد یک جامعه است. «امنیت» از تلاش برای رهایی از تهدیدها و به‌کارگیری امکانات برای مقابله با ناامنی و آسیب‌پذیری به دست می‌آید و متقابلاً «سرمایه‌گذاری» به‌صورت مستقیم به امنیت وابسته و بدون آن ناممکن یا بسیار دشوار خواهد بود. در نتیجه، «امنیت و سرمایه‌گذاری» در تمامی کشورها و به‌خصوص افغانستان دارای آثار و پیامدهای اقتصادی است که می‌تواند در سرنوشت یک کشور نقش اساسی ایفا نماید. این تحقیق به دنبال این موضوع است که ابتدا اقتصاد افغانستان را شناخته و اهمیت امنیت و سرمایه‌گذاری را در افغانستان تبیین و آثار و پیامدهای آن را بیان نماید و در نهایت راه‌های برون‌رفت با راهکارهای لازم را معرفی کند.

واژگان کلیدی: آثار اقتصادی، افغانستان، امنیت، امنیت سرمایه‌گذاری، چالش‌ها و راهکارها.

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد.

مقدمه

بدون شک «امنیت» یکی از دغدغه‌های اصلی هر جامعه و یکی از نعمت‌های بدون جایگزین در عرصه‌های مختلف از جمله «سرمایه‌گذاری» است. با توجه به این مسئله؛ «امنیت سرمایه‌گذاری» مانند اکسیژن برای اقتصاد یک جامعه عمل می‌کند و نیاز است که جوامع ترقی خواه در این راستا هزینه‌های زیادی را تحمل کنند. این در حالی است که تمامی پیامبران بدنبال امنیت و رفاه جامعه زمان خود گام برداشته اند. بنابراین؛ اگر در جامعه‌ای امنیت تأمین گردد، می‌توان ادعا کرد که در سایه‌سار آن زندگی سالم و قابل قبولی همراه با رفاه و آسایش تحقق می‌یابد. از سوی دیگر تمام زیرساخت‌های تربیتی، فرهنگی، سیاسی و از همه مهم‌تر «اقتصادی» متوقف بر همین مساله بوده و تازمانی که این موضوع به نحو قابل قبولی در جامعه برقرار نشود، انتظار پیشرفت، سرمایه‌گذاری و تولید انبوه را نباید داشت. در این مقاله سعی شده است موضوع «امنیت سرمایه‌گذاری آثار و پیامدهای آن» مورد بررسی قرار گرفته و متناسب با جامعه و شرایط کشور راهکارهایی نیز ارائه شده است.

در مورد «امنیت» کتاب و مقالات زیادی وجود دارد که اهمیت، نقش و آثار آن را برشمرده اند. در این زمینه می‌توان به آثار بسیار ارزشمندی مانند جهانی شدن و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نوشته محمدعلی اسکندری، چهره متغیر امنیت ملی نوشته رابرت ماندل، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران تالیف حسن روحانی و... اشاره نمود. ولی در خصوص امنیت سرمایه‌گذاری و به‌خصوص آثار و پیامدهای آن در اقتصاد افغانستان منابعی بسیار کمی وجود دارد. در این زمینه می‌توان به آثار متعدد و پراکنده‌ای مانند افغانستان ریشه‌یابی و بازخوانی تحولات معاصر تالیف سید مهدی عزیزاده موسوی، شاخص‌های توسعه اقتصادی با رویکرد اسلامی، با نگاهی به افغانستان پایان‌نامه محمداسحاق مهدوی و... نیز اشاره کرد. از این‌رو این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک موضوع بکر بوده و می‌تواند برای سیاست‌گذاران سیاسی و اقتصادی در حوزه سیاست اقتصادی و اقتصاد سیاست راهگشا و تاثیرآفرین باشد.

۱. کلیات

۱-۱. افغانستان

افغانستان با بیش از ۶۵۲ هزار و ۶۵۲ کیلومتر مربع وسعت که محصور در خشکی است، در قلب قاره آسیا قرار دارد و جزء کشورهای خاورمیانه محسوب می‌گردد. کشورهایمانند پاکستان (۲۴۳۰ کیلومتر)، تاجیکستان (۱۲۰۶ کیلومتر)، ایران (۹۴۵ کیلومتر)، ترکمنستان (۷۴۴ کیلومتر)، ازبکستان (۱۳۷ کیلومتر) و چین (۷۶ کیلومتر) با این کشور هم‌مرز می‌باشند و این کشور از منابع دریایی و بنادر آبی محروم است. نزدیک‌ترین بندر به این کشور، بندر کراچی در پاکستان است که نزدیک به ۱۱۷۰ کیلومتر با کابل فاصله دارد. (علیزاده موسوی، ۱۳۸۱: ۱۱) به همین دلیل کشور پاکستان همواره در امور افغانستان دخالت نموده و هر از چندگاهی این راه را به روی تجارت کشور مسدود می‌کند.

در مورد کشور جنگ‌زده افغانستان آمار و ارقام با حدس و گمان ارائه می‌گردد که حاکی از فساد اداری و ناکامی دولت‌های حاکم در این کشور است. این کشور با جمعیت بیش از ۳۲ میلیون نفر که ۴۶.۹۷٪ آن را مردان و ۴۵.۴۷ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند که به دلیل بی‌ثباتی و نبود امنیت روزگارشان را با مرگ و زندگی سپری می‌کنند و یا برای همیشه از کشور مهاجرت کرده‌اند. به گفته منابع وزارت صحت عامه افغانستان، ۵۱٪ جمعیت افغانستان را مردان و ۴۹٪ دیگر را زنان تشکیل می‌دهند. (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۵۴). قومیت‌ها و نژادهای مختلف مانند پشتو، هزاره، تاجیک، ازبک، ترکمن و غیره در این کشور زندگی می‌کنند.

واحد پول افغانستان، افغانی (AFG) بوده و سال مالی آن، اول حمل هرسال خورشیدی است. این کشور تاکنون در حوزه اقتصاد و توسعه اقتصادی با شرکای تجاری خود مانند ایران، امارات متحده عربی، هندوستان، آلمان، فرانسه، ایالات متحده آمریکا، پاکستان، ترکمنستان، فعالیت داشته است.^۱ در همین زمینه آمارها نشان می‌دهد که بیشترین محصولات صادراتی این کشور به سه کشور آمریکا (۲۵.۴٪)، پاکستان (۲۲٪) و هند (۱۹.۵٪) است که حجم آن ۵۰۰ میلیون دلار آمریکا تخمین زده می‌شود، و عمده‌ترین شرکای صادرکننده محصولات به این کشور پاکستان (۲۳.۷٪)، آمریکا (۱۱.۲٪)، هند (۹.۷٪)، آلمان (۶.۸٪)، ترکمنستان (۴.۹٪)، روسیه (۴.۵٪)،

1. <http://www.kokchapress.com>.

کنیا (۴.۳٪) و ترکیه (۴.۲٪) می‌باشند که حجم آن به بیش از ۴ میلیارد دلار می‌رسد. بیشترین بدهی این کشور به کشور روسیه و نیز بانک جهانی است که بالغ بر ۸ میلیارد دلار می‌رسد. در فاصله ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹، بیش از ۶۰ کشور جهان قول کمک به این کشور را دادند که ۸.۹ میلیارد دلار به این کشور کمک بلاعوض کنند.^۱

۱-۲. اقتصاد افغانستان

افغانستان به لحاظ اقتصادی یکی از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می‌شود که خود ناشی از نابسامانی‌های سیاسی است. نرخ آمار زیرخط فقر در این کشور در اوایل حکومت دموکراسی، بسیار وحشتناک بود، به موجب این نرخ از هر صد افغانی ۵۵ نفر آنان زیرخط فقر زندگی می‌کردند و نرخ بیکاری ۴۳ درصد می‌رسید. حدود ۸۱ درصد مردم این کشور کشاورز هستند و بقیه شامل ۱۱ درصد در صنعت (اغلب بافندگی) و ۹ درصد در خدمات مشغول به کار هستند. به موجب آمار سال ۲۰۰۴، پانزده میلیون نفر در این کشور کارگر هستند. نرخ تورم در این کشور در سال ۲۰۰۵، ۱۶.۳٪ و در سال ۲۰۰۶ بنا بر پیش‌بینی‌ها ۱۷٪ بوده است.^۲ اقتصاد افغانستان اساساً اقتصاد زراعتی و مالدار است، عرصه اقتصاد همانند سایر عرصه‌ها همچنان آشفته و نابسامان است. در طی چند سال گذشته، تعداد زیادی از مردم کشور، به مشاغل کاذب و زیان‌بار مانند کشت، تولید و حمل و نقل مواد مخدر روآورده‌اند. هرچند حکومت اخیراً به جهان اعلام کرد که از این پس در افغانستان مواد مخدر کشت و قاچاق نمی‌شود که این امر قیمت مواد مخدر را در سطح جهان چندین برابر افزایش داد. (سایت بی‌بی‌سی فارسی، ۱۴۰۱/۲/۲۱)، ولی هنوز این پدیده خانمان‌سوز در کشور تولید و به بیرون از مرز صادر می‌شود.

۱-۳. امنیت

«امنیت» از ریشه «امن» و مصدر جعلی به معنای بی‌بیمی، ایمنی، در امان بودن و ایمن شدن آمده است. امنیت دادن نیز به معنای راحت و آسوده و بی‌بیم گردانیدن است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۳۵۴). امنیت در اصطلاح و بیشتر در فرهنگ سیاسی به معانی مختلف مانند مصونیت نسبی و یا مطلق کشوری در برابر یک حمله مسلحانه و یا خرابکاری سیاسی و اقتصادی، فارغ از تهدید و فقدان

1. <http://www.daneshnamah.com>.

2. <http://www.daneshnamah.com>.

آن و ایجاد شرایط مساعد ملی و بین‌المللی جهت حفظ یا بسط ارزش‌های حیاتی ملی معنا شده است (ام‌الیوت، جفری و رابرت رجیناله، ۱۳۵۴: ۶۱).

بنابراین، امنیت در یک معنا همواره با قدرت نظامی و توانایی در دفع حمله نظامی و موفقیت در جنگ و به دور از جنگ‌های داخلی است (اسکندری، ۱۳۹۰: ۳۲)، اما امنیت، مفهوم قالب‌بندی شده و مشخصی ندارد که بتوان آن را مستقیماً مشاهده و اندازه‌گیری نمود، بلکه مفهومی سهل و ممتنع دارد. (روحانی، ۱۳۸۹: ۲۵). تحقیقات در این زمینه بیشتر جنبه ذهنی دارد تا عینی، البته برخی از تحقیقات تماماً ذهنی هستند. در ادبیات مربوط، داده‌های این پژوهش‌ها تحت عنوان «survey data» شناخته می‌شوند و به‌طور کلی مستند به ذهن ارزیابی‌کنندگان هستند. دسته دیگری از تحقیقات انجام‌شده برای اندازه‌گیری «امنیت سرمایه‌گذاری» مبتنی بر مشاهدات عینی اقتصادی همچون نرخ رشد GDP، نرخ تورم، نرخ بیکاری، تراز پرداخت‌ها و... است. داده‌های این پژوهش تحت عنوان «hard data» شناخته می‌شود و طبق قاعده مستقل از باورهای ذهنی محققان یا سرمایه‌گذاران است.

بخش قابل توجهی از تحقیقات مرتبط با امنیت سرمایه‌گذاری از هر دو نوع داده بهره‌گرفته‌اند و می‌توان آن‌ها را تحقیقات تلفیقی نامید که تقریباً همه مؤسسات بین‌المللی و شرکت‌های بیمه برای تعیین ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف از روش تلفیقی استفاده می‌کنند.

۱-۴. سرمایه‌گذاری

سرمایه به معنای «تجمع کالاهای تولیدشده به‌وسیله بشر که در تولید به کار رود» و سرمایه‌گذاری به معنای «تقبل هزینه به‌منظور ازدیاد سرمایه» آمده است که اساس رشد و توسعه یک کشور را تشکیل می‌دهد. (نصر، ۱۳۴۸: ۵۱) تعریف مذکور با توجه به پیشرفت اقتصاد و توسعه، تغییر کرده و عوامل دیگری مانند تبدیل کالا به کالا و پول و برعکس و سرمایه‌گذاری بدون هزینه و از طریق اینترنت و شبکه‌های الکترونیکی نیز اضافه گردیده است.

۱-۵. امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت سرمایه‌گذاری یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل مؤثر در رشد و توسعه کشورها است. «امنیت سرمایه‌گذاری» همانند «امنیت اقتصادی» دارای شرایط و مجموعه فرایندهایی است

که به صورت بالنده و فزاینده امکان انباشت سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های فیزیکی را فراهم می‌سازد؛ یعنی «امنیت سرمایه‌گذاری» به «مجموعه‌ای از شرایط، عوامل و ساختارهای اجتماعی گفته می‌شود که باعث دلگرمی، آسایش خیال، شوق و ذوق سرمایه‌گذاران به کار و فعالیت اقتصادی می‌شود که در پرتو آن سرمایه‌های سرگردان به‌سوی تولید و تجارت در کشور سوق می‌یابند و جهش عظیم و پایدار در سطح تولید، اشتغال، درآمد و ثروت جامعه حاصل می‌شود». (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۹/۳/۱۰).

به بیان دیگر، چهارچوب نهادهای از شرایط سیاسی، حقوقی و اجتماعی است که اعتماد پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را جلب کرده، امنیت جانی افراد و امنیت حقوقی معاملات را تضمین می‌کند. به عبارت خلاصه‌تر «امنیت سرمایه‌گذاری» وجود فضای مناسب برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری است که در آن هم سرمایه‌گذار به اهدافش برسد و هم سرمایه، کارایی لازم را پیدا کند.

بنابراین، وجود امنیت از وجود اطمینان و اعتماد میان انسان‌ها در روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حکایت می‌کند. آنان زمانی احساس امنیت می‌کنند که از واکنش دیگران نسبت به عملی که انجام می‌دهند، مطمئن باشند و بتوانند به قول و قرارهای آن‌ها اعتماد کنند. امنیت اقتصاد، بیشتر ناظر بر حقوق مالکیت افراد و نیز تضمین اجرای قراردادها است. (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۷۸).

۲. اهمیت امنیت سرمایه‌گذاری

۲-۱. اهمیت امنیت

امنیت و استمرار آن در طول تاریخ همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در حیات انسان و جامعه بشری است (اسکندری، ۱۳۹۰: ۳۰). امنیت از تلاش برای رهایی از تهدیدها و به‌کارگیری امکانات برای مقابله با ناامنی و آسیب‌پذیری به‌دست می‌آید. بنابراین، امنیت در سطوح مختلف از جمله، اقتصاد و سرمایه‌گذاری از جایگاه ویژه و خاص برخوردار است؛ به‌طوری‌که سرمایه‌گذاری به امنیت وابسته و بدون آن امکان ندارد یا بسیار دشوار خواهد بود.

۲-۲. اهمیت سرمایه‌گذاری

اهمیت سرمایه‌گذاری به‌قدری روشن است که تمام کشورها، خصوصاً کشورهای در حال توسعه

تلاش می‌کنند که زمینه آن را در کشور خود به نحو بایسته فراهم آورند و از مزایای آن استفاده نمایند. حاکمان کشورها در تلاش‌اند که کشورشان دارای توسعه پایدار و مردم آن دارای رفاه بالای اجتماعی و اقتصادی باشد، اما این خواسته زمانی محقق می‌شود که محیط سالم و آرام در قالب «امنیت» برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی فراهم شود تا از طرفی باعث توسعه پایدار شده و رفاه یک جامعه را تأمین کند و از طرف دیگر موجب افزایش اشتغال گردد و در کاهش ناهنجاری‌های داخلی کمک کند و همچنین رونق بازار بورس را به دنبال داشته باشد که این امر خود باعث جذب سرمایه‌های سرگردان شده و مانع از نابسامانی در بازار خاص می‌شود.

۲-۳. اهمیت امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت سرمایه‌گذاری از آن جهت اهمیت دارد که توسعه و انکشاف اقتصادی در جهت دستیابی به رفاه اقتصادی بدون آن ممکن نیست و یا بسیار دشوار خواهد بود. تمامی سرمایه‌گذاران به دنبال سرزمین امن برای سرمایه و ثروت‌شان است که تا در پرتو امنیت سرمایه‌گذاری بتوانند از به‌کارگیری سرمایه و ثروت‌شان به سود و عاید اقتصادی دست یابند. به‌صورت خلاصه، اهمیت «امنیت سرمایه‌گذاری» را می‌توان در مسائلی مانند توسعه پایدار، رفاه جامعه، افزایش اشتغال، کاهش ناهنجاری‌ها، رونق بازار بورس، جذب سرمایه‌های سرگردان، جلوگیری از نابسامانی‌ها در بازار خاص، فرصت بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی، دستیابی به دانش و فناوری روز، ارتقاء جایگاه و منزلت کشور در اقتصاد و تجارت جهانی و ... دید. بنابراین، امنیت در حوزه اقتصاد و سرمایه‌گذاری به توسعه اقتصاد مطلوب و عدم آسیب‌پذیری اقتصادی نسبت به اقتصاد جهان و همسایگان یک کشور تبیین می‌گردد. (اسکندری، ۱۳۹۰: ۳۰)؛ زیرا، آن‌چه که امروز سرمایه‌گذاری را قدری مشکل و پرهزینه کرده است، امنیت آن است و سرمایه‌گذار تا مطمئن نباشد اقدام به سرمایه‌گذاری نمی‌کند.

۳. آثار و پیامدهای امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت و عدم آن در یک کشور دارای آثار و پیامدهایی است که نظام یک کشور را در زمینه‌های گوناگون از جمله سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری دارای آثار مثبت و نبود امنیت برای سرمایه‌گذاری دارای پیامدهایی است که به‌طور خلاصه به آن‌ها

اشاره می‌گردد:

۳-۱. آثار امنیت سرمایه‌گذاری

۳-۱-۱. کمک به ثبات سیاسی حکومت

یکی از مهم‌ترین آثار امنیت سرمایه‌گذاری، دلگرمی مردم و برخی از مخالفان حکومت به ثبات سیاسی حکومت مرکزی است، زیرا، با تأمین امنیت نسبی و وجود فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد اشتغال و رفاه، زمینه ورود بسیاری از مخالفین دولت که برای امرار معاش به مخالفین می‌پیوستند را در بدنه دولت یا در شرکت‌های بخش خصوصی و آزاد، فراهم می‌سازد. در بسیاری از کشورها از جمله افغانستان دلیل ناامنی فقر و نبود امکانات است. تاریخ این کشورها نشان داده است که بعد از برپایی امنیت نسبی و به حرکت افتادن چرخه فعالیت اقتصادی، مردم به حکومت مرکزی‌شان دلگرم شده و کم‌کم دست از مخالفت برداشته‌اند.

بدون تردید افغانستان کشوری فقیری است که در طی این سال‌ها، بسیاری از جوانان چه در صف مخالفان و چه در اردوی ملی به خاطر امرار معاش خانواده، دست به اسلحه برده و از این طریق امرار معاش می‌کردند، چنانچه اگر شرایط فراهم باشد و برای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی امنیت لازم و کافی وجود داشته باشد، آنان به فعالیت‌های شخصی رو آورده و به دلیل حقوق و مزایای مکفی دست از اسلحه بردارند داشت.

۳-۱-۲. جذب سرمایه‌های سرگردان

کشور افغانستان طی دو دهه حکومت دموکراسی، یکی از کشورهایی است که در اثر جنگ و ناامنی، سرمایه‌های بادآورده و سرگردان زیادی را در خود جای داده بود. اکثر وقت، این سرمایه‌های سرگردان باعث آشفته‌گی بازار شده و نویسانات شدیدی در برخی از بازارها مانند بازار زمین، مسکن، ماشین و... شده و سودجویان از این طریق سودهای کلانی را به دست آوردند. اگر این کشور با امنیت سرمایه‌گذاری روبه‌رو باشد، باعث دلگرمی، آسایش خیال، شوق و ذوق مردم به کار و کوشش و فعالیت می‌شود که در پرتو آن «سرمایه‌های سرگردان» به‌سوی تولید و تجارت در کشور سوق می‌یابند و جهش عظیم و پایدار در سطح تولید، اشتغال، درآمد و ثروت جامعه حاصل می‌شود. (مهدوی، ۱۳۹۰).

۳-۱-۳. جذب سرمایه‌های سرمایه‌گذاران خارجی

یکی از تلاش‌های جدی و پیگیر کشورها، جذب سرمایه‌های سرمایه‌گذاران خارجی است. کشور افغانستان با تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، علاوه بر کمک نمودن به ثبات سیاسی در کشور و جذب سرمایه‌های سرگردان، زمینه را برای جذب سرمایه‌های سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌سازد. زیرا، کشورهایی که همواره دست‌خوش تحولات گسترده در حوزه حکومت می‌باشند، محیط‌هایی امن و جذاب برای حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نمی‌باشند. وقوع کودتا، شرایط درگیری و جنگ داخلی، درگیری‌های شدید حزبی، نبود امنیت کافی و... عواملی هستند که مانع اتخاذ تصمیم به آغاز فعالیت سرمایه‌گذاران خواهند گردید. در صورتی که شرایط سرمایه‌گذاری در افغانستان فراهم گردد، بسیاری از کشورها حاضر به سرمایه‌گذاری در این کشور هستند و زمینه را برای سرمایه‌گذاری خویش فراهم می‌بینند. بنابراین، آنچه در این میان مهم است تفسیر دیگران از محیط افغانستان در جهت سرمایه‌گذاری است و نه آنچه ما تفسیر می‌کنیم. (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

۳-۱-۴. ایجاد اشتغال و زمینه فرصت شغلی

یکی از عوامل بسیار مهم و سازنده توسعه اقتصادی، «اشتغال» و «فرصت‌های شغلی» است که در برابر آن بیکاری «فرصت‌های سوختی» قرار دارد. به همان اندازه که بیکاری و کم‌کاری روند توسعه را کند می‌سازد، اشتغال و کارآهنگ رشد و توسعه را شتاب خواهد بخشید. از نظر تاریخی، توسعه اقتصادی اروپای غربی و آمریکای شمالی اغلب برحسب انتقال دائمی فعالیت‌های اقتصادی و جمعیتی از مناطق روستایی به مناطق شهری تعریف شده است. بر اساس این تجربه، بسیاری از اقتصاددانان توسعه بر این باور است که «توسعه اقتصادی» در جهان سوم مستلزم تلاش متمرکز در جهت پیشبرد رشد سریع صنایع شهری است و لزوماً باید شهرها به‌عنوان یک «مرکز رشد اقتصادی» مورد توجه قرار گیرد.

امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از ترکیب سه پدیده مهاجرت عظیم جمعیت از روستا به شهر، بهره‌وری پایین کشاورزی و بیکاری و کم‌کاری فزاینده به ستوه آمده‌اند. در این میان، بی‌کاری قابل توجه در اقتصاد کشورهای کمتر توسعه‌یافته (کشورهای فقیر) بسیار بالاست. بی‌کاری آشکار در مناطق شهری این کشورها بین ۱۰ تا ۲۰٪ و بیکاری بین جوانان و تحصیل‌کرده‌ها بین ۱۵

تا ۲۴٪ است. (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۸۰). در نتیجه، «اشتغال» امر فرابخشی است که باید زمینه‌های آن فراهم گردد. زیرا، این پدیده به امنیت سرمایه‌گذاری، پشتیبانی حقوقی، اقدامات مالی و پولی، سیاست‌های هماهنگ و اقدامات مدیریتی نیاز دارد.

۳-۱-۵. رونق تجارت داخلی و خارجی

موقعیت جغرافیایی افغانستان به گونه‌ای است که از شمال به کشورهای آسیای میانه و از غرب به کشور ایران و از شرق به کشورهای هند و چین و از جنوب به کشور پاکستان متصل است و همواره این موقعیت استراتژیک و سوق الجیشی، باعث تردد بسیاری از کالا از جمله انتقال گاز ترکمنستان به هند و پاکستان گردیده که این امر در رونق تجارت داخلی و خارجی کمک می‌کند. بنابراین، کشور افغانستان زمانی به این مهم دست می‌یابد که شرایط لازم یعنی امنیت سرمایه‌گذاری را برای ورود و خروج کالاهای تجاری توسط تجار خارجی و داخلی فراهم نموده باشد.

۳-۱-۶. تحول دانش و بینش

اگر امنیت به صورت کامل اجرا و توسعه و سرمایه‌گذاری نیز تحقق یابد، خواهیم دید که تحول جدی در زمینه دانش، فرهنگ و بینش مردم ایجاد شده و وجود نیروی کار خلاق، متخلق و باسواد در کشور افزایش یافته و در این صورت سرمایه‌گذاران را در استفاده از این عامل مهم تولیدی در تولید فعالیت‌های اقتصادی، ترغیب و تشویق می‌کنند.

۴. چالش‌های عدم امنیت سرمایه‌گذاری

۴-۱. خروج سرمایه

بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی به دلیل ناامنی و نبود امنیت سرمایه‌گذاری در صورت امکان به دلیل توجیه‌پذیر نبودن حضور در طرح‌های اقتصادی داخلی، سرمایه‌های خود را از کشور خارج و به کشورهای امن و خارج از کشور پناه برده‌اند. چنانکه به صراحت می‌توان ادعا نمود که افغانستان جزء کشورهای در حال توسعه و جهان سوم به شمار می‌آید و یکی از ویژگی‌های بارز این کشورها واسطه‌گری و دلالی است که در اثر آن امکانات مالی و نقدینگی در کوتاه‌مدت به دست عده‌ای معدودی قرار گرفته و امکان فرار سرمایه را تسهیل می‌کند (تقی زاده، ۱۳۶۹: ۱۲۴).

بنابراین، آنچه از رفتار سرمایه‌گذاران داخلی که سرمایه و ثروت خودشان را یا در فعالیت‌های

غیر مولد مانند سوداگری و تجارت مواد مخدر و... به کار گرفته و یا در یک کشور خارجی آن را به کار می‌اندازند و یا سرمایه‌گذار خارجی که رغبت برای آوردن سرمایه خود به کشور را نشان نمی‌دهد، حاکی از آن است که آنان افغانستان را کشوری مناسب و بستر امن برای سرمایه‌گذاری نمی‌دانند. نمونه عینی این مسأله زمانی روشن گردید که رئیس‌جمهور کرزی به‌صراحت اعلان نمود که سرمایه‌گذاران نباید سرمایه‌های‌شان را در دبی برده و سرمایه‌گذاری نمایند، بلکه در کشور بلند منزل بسازند.

۴-۲. عدم توجه به عوامل مؤثر بر امنیت

یکی از راه‌های جذب سرمایه و ثروت، فراهم نمودن بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری است. این مهم زمانی محقق خواهد شد که دولت‌مردان و ارگان‌های ذی‌ربط به فاکتورهای لازم در تأمین «امنیت» توجه نموده و آن‌ها را شناسایی کنند. زیرا، بدون شناخت از عوامل مؤثر بر «امنیت سرمایه‌گذاری» نمی‌توان جهت تأمین آن اقدام کرد. این در حالی است که حاکمان یک کشور و سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری، همواره احساس متفاوت دارند، زیرا، فاصله‌ای بسیار عمیق و جدی بین احساس امنیتی که اجزای حاکمیت برای سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران مطرح می‌کنند، با احساس امنیت سرمایه‌گذاران وجود دارد.

بنابراین، یکی از پیامدها و چالش‌های جدی فراروی سرمایه‌گذاری در افغانستان در شرایط گذشته، عدم توجه حکومت و ارگان‌های ذی‌ربط به عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری بوده است. عوامل مهم و اساسی برای امنیت سرمایه‌گذاری توجه به مسأله وحدت ملی، توجه به اقوام محروم، مبارزه جدی با فساد اداری، جلوگیری از رشوه‌خواری، توزیع عادلانه امکانات مالی، اعتباری و امکانات آموزشی، نظارت شایسته و جدی بر بخش خصوصی و... است که دولت‌های حاکم گذشته و به آن توجه جدی و لازم را نداشته‌اند. این در حالی است که یکی از عوامل مهم پیشرفت ژاپن در زمینه تولید و سرمایه‌گذاری، توجه جدی این کشور به مسائل فوق عنوان شده است. در حالی که کشور به دلیل ناامنی با راکد بودن بازارهای زمین، ماشین و ساخت‌وساز ساختمان مواجه است و اکثر سرمایه‌گذاران به دنبال کشورهای امن هستند.

۳-۴. عدم اعتماد کشورهای سرمایه‌گذار

یکی از عوامل مهم در پیشرفت و ترقی یک کشور اعتماد کشورها به خصوص همسایگان آن کشور است. کشور اسلامی افغانستان، همچون دیگر کشورهای منطقه، در معرض آسیب‌های جدی و ناگهانی قرار دارد. این کشور سال‌هاست که در اثر تحریکات برخی کشورها از جمله حملات انگلیس در زمان‌های بسیار قدیم، اشغال آن توسط ارتش سرخ شوروی سابق، سیطره‌ای بیش از ۵۰ کشور عضو ناتو، به اضافه کشور پاکستان و رقابت آن با هند و مسائل خاص دیگر مانند خط دیورند و... به صورت یک کشور بحران‌زده و ناامن برای سرمایه‌گذاری و انکشاف در زمینه‌های مختلف شده است. بنابراین، کشور افغانستان تنها کشوری است که در اثر ناامنی، بیشترین آسیب و زیان را در عرصه اقتصاد، تجارت، صنعت و سرمایه‌گذاری تجربه نموده است. این امر باعث شده است که این کشور در موقعیتی قرار گیرد که می‌بایست علاوه بر مدیریت جنگ‌های داخلی، همواره منتظر پیامدهای ناگواری دیگر مانند اشغال، ترور و انتحار باشد.

بنابراین، باید توجه نمود که سرمایه‌گذار، همانند گنجشکی است که با کوچک‌ترین احساس خطر، از لانه‌سازی پرهیز کرده و ممکن است در آشیانه دیگر لانه کند. در اقتصاد افغانستان هنوز، این احساس وجود ندارد که در صورت سرمایه‌گذاری، سرمایه و دارایی سرمایه‌گذار، مورد تعرض و نابودی قرار نگیرد. این مسأله که در اثر ناامنی به وجود می‌آید، باعث بی‌اعتمادی کشورهای سرمایه‌گذار و به خصوص کشورهای همسایه می‌شود.

۴-۴. فساد اداری

ناامنی و بی‌ثباتی، منشأ اصلی فساد اداری است. منظور از فساد اداری، سوءاستفاده صاحب‌منصبان، ارگان‌های ذی‌ربط و ... از قدرت و نفوذ خود در راستای منافع شخصی است. (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۴۲). در گذشته افغانستان دومین کشوری بود که در صدر کشورهای فساد اداری قرار داشت. بخشی از فساد را در یک کشور فاسد، فساد اقتصادی تشکیل می‌دهد که در اثر ناامنی در حوزه اقتصاد و سرمایه‌گذاری ایجاد می‌گردد. در صورتی که اگر این پدیده شوم در کشور وجود نداشته باشد، دولت به اصلاح اقدام خواهد نمود و کم‌کم جلوی فساد اقتصادی، اختلاس و رشوه‌خواری گرفته خواهد شد. زیرا، استفاده از اموال عمومی برای مقاصد شخصی، اختلاس و رشوه و... از سوی ارگان‌های ذی‌ربط، سیاست‌مداران و افراد عالی‌رتبه بر روند سرمایه‌گذاری

و انکشاف اقتصادی کشور پیامدهای منفی چشم‌گیری را بر جای می‌گذارد و هزینه‌های گزافی را دربر خواهد داشت. رؤسای جمهور حکومت دموکراسی همواره از مبارزه با فساد اداری سخن به میان می‌آوردند، ولی این مهم متأسفانه هرگز محقق نشد.

۴-۵. غارت منابع زیرزمینی

مدتهاست که افغانستان به دلیل منابع سرشار زیرزمینی، مورد تجاوز و تهاجم بیگانگان قرار گرفته است. شوروی سابق، انگلیس و امریکا کشورهایی هستند که به طمع دست‌یابی به منابع زیرزمینی افغانستان، به این کشور حضور نظامی داشته و در اثر ناامنی منابع طبیعی خاص افغانستان را غارت و چپاول کنند.

بر اساس گفته‌های مردم محلی و متصدیان میدان هوایی بگرام و قندهار، هیچ هواپیمای آمریکایی و انگلیسی مورد بازرسی قرار نمی‌گرفت و همین‌طور در گذشته هواپیماهای شوروی که چه می‌برند و چه می‌آورند. این مسأله زمانی ممکن است اتفاق بیفتد که در کشور ناامنی جدی وجود داشته باشد و این کشورها به بهانه تأمین امنیت، دست به چپاول و غارت منابع طبیعی افغانستان مانند، نفت و گاز، طلا، لیتیوم، اورانیوم و ... بزنند.

۵. راهکارهای امنیت سرمایه‌گذاری

بدون شک برای هر مشکل چاره‌ای و برای هر چالشی راهکار وجود دارد. در این نوشتار تلاش شده است با توجه به شرایط کنونی و ظرفیت‌های موجود در افغانستان به «راهکارهای امنیت سرمایه‌گذاری» اشاره گردد تا باشد که دولت‌مردان ما با تفکر در آن، کشور را از بحران ناامنی و فساد اداری نجات دهند.

۵-۱. تدوین و اجرای قوانین خوب

هر کشوری اگر در چنین شرایطی قرار گیرد، لازم می‌بیند که با وضع و تدوین قوانین خوب برای جذب سرمایه‌گذاران و اجرای خوب آن در مرحله عمل، زمینه را برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌سازند. زیرا، این وظیفه دلسوزان کشور است که اطمینان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را با وضع قوانین حمایتی، تضمینی، رفع موانع دست‌وپا گیر و... جلب و او را راضی به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی در کشور نماید.

۵-۲. آماده‌سازی بستر سرمایه‌گذاری

جلب رضایت خاطر یک سرمایه‌گذار بستگی به محیط امن سرمایه‌گذاری دارد. زیرا، هر سرمایه‌گذار داخلی و خارجی در سرمایه‌گذاری از خود خواهند پرسید که آیا بستری مناسب برای سرمایه‌گذاری که بتوان توسط آن به اهداف موردنظر رسید، فراهم شده است یا نه؟ جواب این سؤال زمانی داده خواهد شد که در عمل دیده شود تغییری در سرمایه‌گذاری‌ها صورت گرفته یا نه اولاً، و ثانیاً اگر تغییری هم صورت گرفته آیا این تغییر به صورتی بوده است که تأمین‌کننده اهداف سرمایه‌گذار باشد یا خیر؟ پس گام اول و ضروری برای جذب سرمایه برای سرمایه‌گذاری در کشور این است که بستر لازم را جهت جلب توجه سرمایه‌گذاران اعم از داخلی و خارجی فراهم نماید و کشور را از هر لحاظ، به بستری امن برای سرمایه‌گذاران تبدیل نماید، زیرا، باید‌ها و نبایدها برای ایجاد بستر لازم و محیط امن برای سرمایه‌گذاری چنان پیچیده و درهم‌تنیده است که حاکمان جوامع مختلف را لحظه‌ای رها نمی‌کند.

بنابراین، دغدغه جدی مجموعه اجزای حاکمیت افغانستان در حوزه اقتصادی و سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه‌ای طی چند سال گذشته معطوف به این مسأله بوده و در آینده حاکمان فعلی نیز تلاش کنند که این بستر مناسب را با توجه به مقوله فرهنگ، باورهای دینی و جایگاه کشور فراهم سازند.

۵-۳. ارزیابی میزان ریسک سرمایه‌گذاری

بدون تردید در شرایط کنونی، بسیاری از کشورها به مؤسسات ارزیاب اجازه می‌دهند تا در مورد «میزان ریسک سرمایه‌گذاری» فعالیت نموده و نتایج آن را در سیاست‌گذاری اقتصادی و انکشافی کشور به کار گیرد. زیرا، توجه به ارزیابی مؤسسات معتبر و مشهور بر آوردکننده ریسک در کشورهای مختلف، به یک «فرهنگ» و «پیش‌نیاز» در میان سرمایه‌گذاران بین‌المللی تبدیل شده است و سرمایه‌گذاران به دلیل اعتمادی که به مؤسسات مزبور دارند، قبل از تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری سرمایه و ثروت‌شان در یک کشور، به گزارش‌هایی که بر آورد کنندگان بین‌المللی ریسک از اوضاع و احوال آن کشور ارائه می‌دهند، مراجعه می‌کنند.

اگرچه احتمال ارائه گزارش‌های غیر واقعی و مغرضانه از سوی این مؤسسات منطقاً منتفی نیست و مؤسسات مزبور ممکن است تحت برخی فشارهای سیاسی به تهیه گزارش‌های غیر واقعی در

مورد یک کشور اقدام نمایند، باین‌وجود مادامی‌که سرمایه‌گذاران بر استفاده از گزارش‌های این مؤسسات اتفاق نظر دارند، هیچ کشوری نمی‌تواند نسبت به مؤسسات مزبور و گزارش‌های آنان بی‌تفاوت باشد و کشور اسلامی افغانستان نیز از این قاعده مستثنا نیست و در جهت راه‌اندازی این‌گونه مؤسسات اقدام نمایند که با مشاهده تغییرات مثبت در هر بخش از سرمایه‌گذاری، ارزیابی میزان امنیت در محیط کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری، بهبودیافته و زمینه را برای جلب اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران فراهم ساخته و منجر به جذب سرمایه‌های خارجی و جلوگیری از فرار سرمایه‌های داخلی گردد. یکی از این مؤسسات موسسه مشهور «PRS»؛ است که از سال ۱۹۸۲ به این طرف با ترکیب شاخص‌های سیاسی، مالی و اقتصادی میزان ریسک را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند. (جستارهای اقتصادی، شماره ۲: ۱۳۲).

بنابراین، سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی، زمانی اقدام به سرمایه‌گذاری خواهند نمود که آنان کشور را از نگاه این مؤسسات «امن» اعلام کنند؛ اما متأسفانه در افغانستان فساد اداری و ناامنی بر اساس گزارش‌ها، باعث تعلیق کمک‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها خارجی گردیده است.

۵-۴. تقویت بخش خصوصی

نظام اقتصادی افغانستان بر اساس قانون اساسی حکومت گذشته، نظام بازار بوده است که بر اساس آن، سکتور خصوصی می‌تواند بازار افغانستان را بچرخاند. البته می‌توان گفت که نظام بازار، یکی از نظام‌های موفق در جهان بوده و بسیاری از کشورها از این نظام استفاده می‌کنند، ولی کشور افغانستان شرایط لازم برای این بازار را نداشته و لذا ضرورت دارد که دولت در کنار تقویت بخش خصوصی همچنان به‌عنوان یک رکن اصلی بازیگر بازار در اقتصاد افغانستان حضور داشته باشد. بنابراین، بخش خصوصی می‌تواند زمینه را برای اقتصاد بهتر فراهم سازد و به همین دلیل حکومت فعلی باید از بخش خصوصی حمایت نموده و آنان را در توسعه و آبادانی کشور سهیم سازند. البته باید گفت که دولت باید همواره نظارت دقیق در کارها و فعالیت‌های اقتصادی از سوی بخش خصوصی داشته باشد تا فساد و کمک‌کاری در پروسه‌های انکشافی شکل نگیرد.

۵-۵. تقویت بخش نظارتی

دولت‌های گذشته چنان ضعیف عمل کردند که یکی از بهترین بانک‌های خصوصی افغانستان

به مرحله ورشکستگی قرار می‌گیرد، ولی آنان از هیچ چیز خبر ندارد و از طریق رسانه‌ها اطلاع می‌یابند. علاوه بر آن، عاملین و مجرمین این قضیه به مجازات عمل نمی‌رسند. بنابراین، انتظار می‌رفت که بخش نظارتی خود را تقویت و زمینه را برای فعالیت‌های اقتصادی چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی فراهم سازد. دولت فعلی، می‌تواند با حمایت از دستگاه‌های نظارتی و حمایت همه‌جانبه از ناظران، زمینه را برای فرهنگ‌سازی و تقویت روحیه خود نظارتی از طریق آموزش‌های اولیه و تقویت آموزه‌های دینی، فراهم سازد.

کشور نیازمند نظارت دقیق و جدی دولت، بر اراکن دولتی و بخش خصوصی است. این مهم زمانی می‌تواند محقق گردد که فرهنگ نظارت مردمی و ایجاد وجدان اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های دینی در این کشور حاکم گردد. زیرا، نظارت مستمر بر اجرای پروژه‌ها، ایجاد شبکه الکترونیکی متمرکز برای انتقاد و پیشنهاد‌های مردمی، تشکیل کمیته نظارتی جهت بررسی گزارش عملکرد مدیران و نظارت دقیق نهانی، برخورد جدی و متناسب با متخلفین در سطوح مختلف و در نهایت محاکمه مفسدین و مجرمین در دادگاه به‌صورت علنی و اجرای حکم در ملا عام می‌تواند وجدان اجتماعی مردم را بیدار و خودنظارتی در همه اقشار مختلف مردم و حکومت ایجاد گردد.

۵-۶. تربیت نیروهای متخصص

یکی از راهکارهای بسیار خوب و لازم، تربیت نیروهای متخصص در زمینه‌های مختلف در افغانستان است و بسیاری از کشورهای پیشرفته و صنعتی با این نیروها قله‌های افتخار توسعه و رشد را کسب کرده‌اند. امروزه دنیا از پیشرفت‌های بزرگ علمی، صنعتی، در زمینه نیروهای مهم هسته‌ای، پروازهای فضایی، علوم پزشکی، تسخیر کرات دیگر، اختراعات حیرت‌انگیز و... سخن می‌گوید، اما کشور افغانستان هنوز به دلیل جنگ و درگیری‌های ممتد در رفع نیازهای روزمره‌ی‌شان گیر مانده است و از نرخ بالای بی‌سوادی و پایین بودن کیفیت آموزش عالی رنج می‌برند. (مهدوی، ۱۳۹۰: ۱۸۹). بر اساس اذعان آگاهان امور، بسیاری از مشکلات افغانستان از جمله سرمایه‌گذاری ناشی از کمبود نیروی متخصص است به‌طوری‌که در بسیاری از بخش‌ها حتی وزارتخانه‌ها به افراد غیرمتخصص واگذار گردیده که این مسأله باعث هدر رفتن وقت و منابع لازم می‌گردد.

دولت افغانستان باید زمینه تحصیل جوانان کشور را در رشته‌های تکنیکی و فنی آماده ساخته و

آنان را در جهت آموزش عالی سوق دهند. مسئولین ذی‌ربط می‌توانند از نفوذ و روابط خود با دیگر کشورها، زمینه بورس تعداد زیادی از جوانان را در رشته‌های مهم طبی، مهندسی و... فراهم سازد که متأسفانه دولت افغانستان در این زمینه بسیار ناتوان بوده و در اثر فساد اداری گسترده افراد لایق و شایسته از بورس‌های تحصیلی کشورها نمی‌توانند استفاده نمایند و به همین دلیل میزان برگشتی دانشجویان از کشورهایی که بورسیه داده‌اند بسیار زیاد بوده است.

۷-۵. تدوین و اصلاح قانون کار

افغانستان در مورد کار و سرمایه‌گذاری قانونی خوبی دارد که با توجه به شرایط جدید، نیازمند تدوین و اصلاح است. قانون کار افغانستان باید حقوق و مزایا را بر اساس کار بهینه و شایستگی تخصیص دهد تا زمینه تشویق و تلاش کارگران و سرمایه‌گذاران برای ترقی و پیشرفت را فراهم سازد. تفکیک قانون کار و شفافیت آن در بخش‌های صنعت، کشاورزی، مالداري و خدماتی می‌تواند در امر امنیت سرمایه‌گذاری کمک نموده و بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جذب نماید.

بنابراین، تدوین یا اصلاح قانون کار با عنایت به حمایت از سرمایه‌گذار و تولیدکننده و در نظر گرفتن مصالح و مزایای کارگر و مصرف‌کننده، باعث رونق اقتصاد افغانستان شده و دلگرمی برای تولیدکننده از یک‌سو و کارگر و مصرف‌کننده از سوی دیگر ایجاد می‌شود.

۸-۵. حمایت دستگاه قضایی از سرمایه‌گذار

دستگاه قضایی برای هر کشور یکی از مهم‌ترین تکیه‌گاه سرمایه‌گذاران به شمار می‌آید. بدون تردید سرمایه‌گذاری بدون اختلافات و کشمکش‌های حقوقی نخواهد بود. در این میان لازم است که دولت افغانستان زمینه‌های حمایت دستگاه قضایی و عدلی افغانستان از سرمایه‌گذار را فراهم ساخته و با ایجاد امنیت روانی برای سرمایه‌گذاران با برخورد قاطعانه با اخلال‌گران اقتصادی و صدور حکم در کمترین زمان ممکن و اجرای آن باعث دلگرمی سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاری گردد.

بنابراین، همه می‌دانند که رشوه‌خواری کلان و بزرگ در حکومت‌های گذشته فراوان بوده و به‌وضوح دیده می‌شد. در نظام گذشته سارائوالان و قاضیان با حقوق و مزایای نسبتاً کم ولی از

سرمایه‌دارترین افراد کشور به شمار می‌آمدند که اگر از آن‌ها سؤال شود و اگر صادقانه جواب بگویند خواهد گفت که ما رشوه گرفته‌ایم. فساد در دستگاه قضایی و عدلی زبانزد عام و خاص در افغانستان است که متأسفانه از این نگاه افغانستان را در بدترین حالت قرار داده است که حکومت افغانستان باید برای آن چاره بیندیشد. اکنون که امارت اسلامی سکانت‌دار قدرت در افغانستان است، باید تلاش کند که نیروهایش به رشوه و رشوه‌خواری مبتلا نشوند.

۵-۹. ایجاد سازمان بیمه

بیمه یکی از نهادها و سازمان‌های خوبی برای تولیدکننده و کارگر به‌شمار می‌آید. بسیاری از کشورها از این نعمت بشری برخوردارند، ولی در افغانستان هنوز از این نهاد مهم خبری نیست یا کمتر سازمان بیمه به وعده‌های خویش عمل می‌کنند. تاریخ بیمه افغانستان حاکی از آن است که تعداد زیادی از تجار افغانستان برای ماشین‌های مدل پایین‌شان اجازه گمرک پیدا نکرده‌اند و همچنان در جلال‌آباد، هرات و اسپین‌بلدک در حالت انتظار به سر می‌برند یا بسیاری از کالاهای تجاری تجار افغانستان به دلیل اختلاف پاکستان و ناتو، مدت‌ها در مرزهای پاکستان و افغانستان معطل ماندند که تجار آسیب‌دیده به بیمه افغانستان مراجعه نموده و ادعای خسارت نمودند، ولی هیچ‌گونه اقدامی از سوی سازمان بیمه افغانستان نگردید.

بنابراین، حکومت فعلی افغانستان به‌صورت جدی مسأله استفاده از بیمه و تأمین آن از سوی سازمان بیمه را در افغانستان ترویج و سازمان بیمه را ملزم به پرداخت خسارت نماید. لذا برای امنیت سرمایه‌گذاری در افغانستان این مسأله مهم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

۵-۱۰. ایجاد فرهنگ سرمایه‌گذاری

راهکار دیگری که در این زمینه لازم به نظر می‌رسد، ایجاد فرهنگ سرمایه‌گذاری در افغانستان است که می‌توان در دو بخش دولت و بخش خصوصی نهادینه نمود که آن را از طریق نهادها، عادات و الگوهای فکری و عملی می‌توان به نسل‌های آینده نیز انتقال داد.

کشور افغانستان متأسفانه هنوز با فرهنگ سرمایه‌گذاری خو نگرفته و بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی به فعالیت‌های اقتصادی زودبازده رو می‌آورند. متأسفانه هنوز سردخانه‌ای در این کشور به‌صورت استاندارد ایجاد نگردیده که در اثر این کمبود، میوه‌جات افغانستان به‌صورت فصلی

مصرف یا از بین می‌رود و یا در کشورهای منطقه صادر و در فصل دیگر از سوی آنان با قیمت بسیار گزاف دوباره به افغانستان وارد می‌گردد.

کشور افغانستان از نگاه میوه‌جات کشور بسیار مناسب است و محصولات این کشور در این زمینه جواب‌گوی مصرف مردم این کشور است، ولی این مهم زمانی محقق خواهد شد که سردخانه‌های کلان در مناطق مختلف ایجاد گردد که متأسفانه چنین چیزی تا هنوز اتفاق نیفتاده است.

بنابراین، حکومت افغانستان با حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان، می‌تواند فرهنگ سرمایه‌گذاری را در این کشور ایجاد و سرمایه‌داران داخلی و خارجی را جذب سرمایه‌گذاری نماید. گسترش و تقویت بازار بورس، تشویق و آگاهی مردم در خرید سهام، ایجاد روحیه خودباوری در سرمایه‌گذاری و پرهیز از دخالت دولت در قیمت‌گذاری، فرهنگ سرمایه‌گذاری در کشور ایجاد و این کشور را به‌سوی آبادانی سوق خواهد داد.

جمع‌بندی

در این نوشتار با توجه به ضرورت شناخت افغانستان و اقتصاد این کشور به منظور تبیین «امنیت سرمایه‌گذاری» در ابتدا به صورت فشرده موقعیت جغرافیایی و جمعیتی این کشور بیان گردید و سپس اقتصاد این کشور بر اساس متغیرهای مهم بررسی گردید. در ادامه آثار و پیامدهای امنیت سرمایه‌گذاری بر رشد و توسعه اقتصادی افغانستان بررسی گردید. در پایان راهکاری چند که تنها به این امور خلاصه نمی‌گردد، ارائه شد و انتظار می‌رود که دولت‌مردان ما به مسئله امنیت سرمایه‌گذاری توجه جدی نموده و زمینه آن را در کشور فراهم سازند تا باشد که این کشور از جمله کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته و مردم آن از امکانات مادی و معنوی موجود بهره‌مند گردند و به مسائل مهم بهداشت و سلامت، تغذیه، تحصیلات، سرمایه‌گذاری و ... دست یابند.

امید است دولت‌مردان فعلی در سایه تعالیم عالیه اسلام، با همراهی و پشتیبانی مردم اولاً بتوانند یک حکومت همه‌جانبه و فراگیر تشکیل دهند و در ثانی بتوانند آسیب‌ها و چالش‌های امنیت سرمایه‌گذاری را برطرف و با جدیت و تلاش مضاعف، برای ملت و مردم نجیب و رنج‌دیده‌شان، خدمت‌گذار دلسوز و صادق باشند.

منابع

۱. اسکندری، محمدعلی، جهانی‌شدن و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، زمزم، قم، اول، ۱۳۹۰.
۲. ام. الیوت، جفری و رابرت رجیناله، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، استراتژیک، ترجمه: میرحسین رئیس‌زاده لنگرودی، تهران، جاویدان، ۱۳۵۴.
۳. تقی‌زاده، محمود، برنامه‌ریزی اقتصادی-اجتماعی، تهران، نشر گستره، اول، ۱۳۶۹.
۴. جستارهای اقتصادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوره اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۶. دهقان، محمدصادق، افغانستان و حق بر توسعه، کابل، مرکز فرهنگی سراج، اول، ۱۳۸۶.
۷. رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
۸. روحانی، حسن، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، اول، ۱۳۸۹.
۹. عزیززاده موسوی، سید مهدی، افغانستان ریشه‌یابی و بازخوانی تحولات معاصر، قم، کیش مهر، اول، ۱۳۸۱.
۱۰. مصلی‌نژاد، غلام‌عباس، آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، تهران، نشر قوس، اول، ۱۳۸۴.
۱۱. مهدوی، محمد اسحاق، روزنامه نجات، زمستان ۱۳۹۰.
۱۲. مهدوی، محمد اسحاق، شاخص‌های توسعه اقتصادی با رویکرد اسلامی، با نگاهی به افغانستان، پایان‌نامه، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۱۳. نصر، اسدالله، نقش سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصادی، تهران، فرخی، دوم، ۱۳۴۸.